



۲۰۱۶/۰۴/۲۲



سیدهاشم سدید

اشرف غنی: انتقام قطره قطره خون مردم را می گیرم!

طبق گزارش رسانه های خبری، آقای اشرف غنی در زمان عیادت از زخمی های حمله انتحاری دیروز در شهر کابل، وعده نموده است که انتقام قطره قطره خون مردم را می گیرد.

رسم وعده دادن سیاستمداران به مردم، و بدان عمل نکردن در همه کشور های جهان امری است معمول - در یکی کم؛ در دیگری بیش و دیگری هم بیشتر!

انتظار از سیاستمداران افغانی که از این امر مستثنی باشند، از آنجائی که این ها هم انسان هستند و دارای تمایلات و خصلت های یکسان با سائر انسان ها، اگر نگویم سادگی، نشانه ای است از خوش قلبی و خوش باوری مردم.

آقای اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، کشوری که برحسب اصل دموکراسی و احترام به حقوق بشر، احترام به حق حاکمیت مردم، اصل مسؤولیت پذیری و جوابگو و جوابده بودن به مردم، نفرت از دروغ و پیمان شکنی باید سرآمد جهان باشد، یکی از وعده هایش در روز های انتخابات این بود که زندان "گوانتانامو" را می بندد. یا وعده معمول ساختن بیمه صحتی همگانی و...، وعده هائی که تا همین لحظه که عمر ریاست جمهوری ایشان رو به پایان یافتن است، هنوز عملی نشده است.

در ایران، تقریباً سی و هشت سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز مردم به آب و برق و نفت رایگان دسترسی پیدا نکرده اند و...

چنین وعده هایی در همه کشور ها و از سوی تقریباً همه سیاستمداران قبل از انتخابات و در ایام تصدی ریاست جمهوری یا صدارت داده می شود. مردم هم با تجربه ای که طی قرن ها اندوخته اند، می دانند که خیلی از این وعده ها وعده های به اصطلاح "وقت گل نی" هستند.

آقای کرزی که در وعده نمودن و عمل نکردن بدان "ریکارد" جهانی را شکسته است، از شروع ریاست جمهوری اش تا امروز آنقدر به مردم وعده داده است که اگر قرار شود تعداد آن ها را معین کنیم، بلاترید بدون ده مستوفی و بیشتر از یک صد محرر و کاتب به تعیین دقیق شمار وعده های وی موفق نخواهیم شد. به خصوص تعیین کمیسیون ها برای رسیدگی به مظالم و زورگوئی های زورگویان، متجاوزین به ناموس مردم، غاصبان زمین و خانه و باغ و اپارتمان ها و...؛ کمیسیون هایی که هیچ وقت نتیجه کار شان معلوم و اعلام نشد!

هر زمانی که افکار عمومی جامعه در اثر یک عمل غیراخلاقی، تخطی آشکار از قانون، یا بیداد عریان قدرتمندان دولتی و غیردولتی نسبت به افراد بی بضاعت، بی واسطه و ناتوان به حد اعلائی آن در تلاطم و جنب و جوش بود و به اصطلاح دود از کله مردم به هوا می شد، کرسی برای این که مردم را دست به سر کند، علاوه بر این که از ایجاد کمیسیونی برای رسیدگی به آن قضیه و شکایت سخن به میان می آورد، در برابر کمره تلویزیون حاضر می شد و وعده می کرد که متخلفین را، حتی اگر زورمندترین افراد باشند، به سخت ترین شکل مجازات خواهد کرد - بدون این که به وعده های بی حاصل قبلی خود بیندیشد و کوچک ترین احساس شرمندگی به او دست دهد.

در تمام تاریخ کم و بیش دوازده سال حکومت خویش، آقای کرسی یگانه وعده ای را که عملی کرد، آنهم برای رد قسم، آن بود که یکی دو ماه قبل از ختم دوره دوم ریاست جمهوری خویش به مردم سپرده بود: مجازات متجاوزین به زنانی در راه پغمان.

غیر از آن، همه وعده هایی که او به مردم نموده بود، با گذشت زمان به هوا دود شد؛ مانند نوشتن چیزی در یخ و گذاشتن آن در آفتاب تموز بود.

آقای اشرف غنی، به عنوان یک شاگرد وفادار آقای کرسی، تا جایی که دیده شده است در سپردن وعده های بی بر و بار از استادش پس نمانده است.

عملی نشدن مانیفست صد روز اول کار وی، و ترکیب اعضای حکومتش که باید همه متشکل از متخصصین و تحصیل کرده ها و اشخاص باتجربه و ملی و پاک و پارسا می بودند، علاوه بر مبارزه با فساد اداری و چندین مطلب و موضوع دیگر، دلایل بارزی هستند که آقای اشرف غنی، از بد حادثه و از بدبختی مردم، خیلی از خصلت های استادش را به گونه برجسته در خود نهادینه ساخته است.

وعده گرفتن انتقام قطره قطره خون مردم هم، بدون شک از جمله همین وعده ها می باشد؛ زیرا همه می دانیم که دولت در حال حاضر، نظر به قرائن و شواهد در آینده نیز، اصلاً قادر نیست حریف آنانی شود که سررشته حملات انتحاری را در کشور ما به دست دارند.

دولتی که طی یک و نیم سال نتوانسته مشکلات و مخالفت های درونی خویش را حل و فصل کند، چگونه می تواند مخالفت های مخالفین مسلح خود را، که اختیار شان به دست خود شان نیست، رفع کند. یا انتقام خون مردم را از آن ها و از اربابان شان که مسبب اصلی ریختن خون ده ها هزار افغان هستند، بگیرد؟

با کدام توانائی؟ و چه وقت؟!

شما که طی یک و نیم سال، بیشتر یا کم تر، قادر به تأمین امنیت در کشور نشده اید و بیشتر از شش ماه قادر بدان نبوده اید که کندز را آزاد کنید، چگونه قادر به گرفتن انتقام خون های ریخته شده در حمله انتحاری دیروز، و صد ها حمله دیگر، خواهید شد؟

افرادی که بیشتر از چهل و پنج نفر را در حمله انتحاری دیروز با قساوت به قتل رساندند و بیشتر از سه صد و شصت تن را زخمی ساختند - مطابق به داده های جدید - همزمان کسانی هستند که از سالیان دراز در بدخشان و زابل و هلمند و جوزجان و فاریاب و فراه و جلال آباد و غزنی و کندز و مزار و ده ها شهر و روستا و ولایت دیگر کشور عملاً وجود و حضور دارند و علاوه بر این که در برابر دولت می جنگند، دست به هزار نوع جنایت و قباحات می زنند و هر آنچه را که خواسته باشند بالای مردم شریف ما تحمیل می کنند.

اگر شما این قدر قدرت دارید، چرا گروه های تفنگ به دست و شمشیر بسته ای را که بر این همه مناطق حکم می رانند و سبب رنج و بدبختی مردم شده اند، تا حال سرکوب نکرده اید؟
و اگر راست می گوئید و واقعاً به فکر انتقام نامردمی ها و مظلومی هستید که بر باشندگان این خطه، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، رفته است، چرا تا کنون حداقل از آب و آبروی خود به نام رئیس دولتی که قانونی پنداشته می شود، هم سلاح و اردو دارد و هم از کمک های گوناگون قدرت های بزرگ و غنی و بانفوذ جهان مستفید است، دفاع نکرده اید؟

شما، برای این که برادران ناراضی خود و استاد و رهنمای تان را از خود نرنجانید، طالبان را به طالبان افغانی و غیر افغانی تقسیم می کنید و همواره، بعد از هر حادثه دلخراشی، مانند استاد تان، مسؤلیت آن حادثه را به دوش طالبان خارجی یا طالبان غیر افغانی می اندازید و با این شعبده بازی های کودکانه تان می خواهید این آدمکشان حرفوی و چاکران پاکستان را از همه جنایات و خیانت های شان تبرئه نموده بی عیب و معصوم معرفی کنید.

■ چرا تا کنون موضع شما در برابر این جانیان تاریک اندیش روشن نیست؟

■ چرا میان شما و گروپ رئیس اجرائیه تان بر سر این که طالب دوست است یا دشمن، اتفاق نظر وجود ندارد؟

مگر خبر ندارید که تمام طالبانی که شما آن ها را طالب غیر افغانی می خوانید، زمانی که برای جنگ با دولت افغانستان آماده می شوند، خود را زیر چتر حمایت طالبان افغان قرار می دهند و با این کار شان همه در عمل به طالب افغان تبدیل می شوند؟

شما از این مسأله و این واقعیت نسبت به همه بیشتر آگاه هستید. با آن هم چنان وانمود می کنید که گویا، و اصلاً، شما از این مطلب اطلاع ندارید!

آیا دلیل این رویه و سیاست شما این نیست که شما نیز پا در جای پای آقای کرزی گذاشته اید و با طالب زد و بند های پنهانی و چرکین دارید و مانند یک سیاستمدار زیرک، آینده نگر، فرصت طلب و منفعت جو تنها در فکر تأمین آینده خویش می باشید؟

از نظر اخلاقی وقتی به کار های انسان ها نگاه شود، انسان های بسیاری را می بینیم که بعد از یکی - دو بار، اگر زیاد پر رو و بی حیا باشند، بعد از چند بار سر شان را به گریبان خود نموده به این فکر می افتند که بالاخره دروغ هم اندازه ای دارد، تا کی باید خود را با دروغ گفتن و وعده سپردن مکرر و بی نتیجه نزد مردم بی اعتبار و بی عزت بسازم. آیا شما هم گاهی به این فکر افتاده اید؟ یا به این فکر خواهید افتاد؟

مردم افغانستان، صرف نظر از یک تعداد محدود زیردار گریخته و عاق پدر و مادر معلوم الحال، مردم بسیار شریف و پاک طینت و خوش قلب هستند. مردمی که به حق مستحق آن نیستند که به آن ها دروغ گفته شود، به آن ها ستم گردد و از وجود آن ها به گونه های مختلف استفاده های ناجائز و شرم آور شود.

جنایت بسیار عظیم و نابخشودنی است که از خوش باوری و خوش قلبی انسان های شرافتمند این مرز و بوم با تلبیس و دروغ و تسبیح و سجاده و ذرایع دیگر، سوء استفاده گردد و آرمان های پاک آن ها به سخره گرفته شود؛
جناب رئیس جمهور!!

بنا براین، از خدا بترسید. از همان خدائی که هر روز و در هر محل با تسبیح یک صد دانه ای خویش، که حتی در برابر مهمانان خارجی غیر مسلمان هم از به نمایش گذاشتن آن غافل نیستید، و بیشتر از این مردم را به وعده های دروغین و بی حاصل خویش دلخوش و امیدوار نسازید.

واقعیت ها را هر چه هست، هر قدر تلخ و جانگداز، همانگونه که هست، به مردم بگوئید؛ هم شما جناب رئیس جمهور، و هم رئیس اجرائیه تان!

من می دانم که شما مسلمان هستید. به همین دلیل برای تان می گویم که به آنچه قرآن و خدا گفته است عمل کنید و از مرگ، که ما و شما از آن چندان دور هم نیستیم، غافل نباشید. نشود که به روز محشر، نه شفاعتگر از شما با این همه کژ رفتاری های تان شفاعت کند، و نه خدا از تقصیر های تان بگذرد!

به یقین آقای کرزی نیز، که در آن گیر و دار مصروف خود خواهد بود، به حساب "بز به پای خود و گوسفند به پای خود"، قادر نخواهد بود به جناب شما کمکی کند!!

پایان

